پیکر شهید مدافع حرم، اصغر پاشاپور تشییع شد
نگاه کن که ببینی شکسته بالی ما را

+ در «چاردیواری» بخوانید:
مواجهه نوجوان‌ها با شبکه‌های اجتماعی

جام جم

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

WWW.JAMEJAMDAILY.IR

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۲۴ رمضان ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۶۶۳ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Monday - 2020 May 18

رهبر انقلاب در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی:

جبهه انقلاب را گسترش دهید؛ یارگیری کنید، حذف نکنید

۲

گفت‌وگو با کارگردان و بازیگران «پدر پسری»
مجموعه‌ای که این شب‌ها از شبکه ۵ پخش می‌شود

اگر وقت داشتیم بهتر می‌ساختیم

۶

شناسنامه کالا قرار است از این هفته اجباری شود
اتفاقی که قبلا هم بارها درباره آن صحبت شده است

طرح تکراری برای مبارزه با قاچاق لوازم خانگی

«از این هفته تمامی کالاهای لوازم خانگی باید شناسه کالا داشته باشد.» این اظهارنظر روز گذشته از سوی علی مؤیدی خرم‌آبادی، رئیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز مطرح شد او اتمام حجت کرد از ۲۸ اردیبهشت هر کالایی در حوزه لوازم خانگی که فاقد شناسه کالا باشد قاچاق محسوب می‌شود. نگاهی به تاریخچه مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران نشان می‌دهد این‌گونه دستورالعمل‌ها با این‌که اقدام خوبی به‌حساب می‌آید اما تازگی ندارد. مبارزه با قاچاق کالا مربوط به این دولت و دهه اخیر نیست. لوازم خانگی هم از جمله بازارهایی است که بخش زیادی از آن را کالاهای قاچاق تشکیل می‌دهد.

۳

هزاران اثر ایرانی در موزه‌های خارجی قرار دارند
آثار ارزشمندی که با بی‌لیاقتی شاهان ایرانی
تقدیم کشورهای غربی شده است

حراج هویت

۱۰ و ۱۱

عکس: سایت RFI

گاف‌های آدم‌های سرشناس در فضای مجازی
گاهی دردسرهای زیادی درست می‌کند

من نبودم، دستم بود!

۷

اگر فکر می‌کنید اوقات شرعی و علم نجوم
ربطی به هم ندارند، حتما این گزارش را بخوانید

رمزگشایی از اذان به افق نجوم

۱۵

یادداشت

تشکل‌های دانشجویی؛ ثروتی عظیم در اختیار دانشگاه‌ها و دانشجویان

دکتر سعدا... نصیری قیداری
رئیس دانشگاه شهید بهشتی

موضوع فعالیت تشکل‌های دانشجویی در فضای دانشگاه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اتفاقا به دلیل وجود همین اهمیت است که مقام معظم رهبری همه‌ساله با نمایندگان این تشکل‌ها دیدار می‌کنند و به آنها فرصت بیان مواضع‌شان را می‌دهند. اتفاقا رهبر معظم انقلاب در یکی از همین دیدارهای سالیانه خود فرموده‌اند که دانشجویان فرصتی بزرگ، ثروتی عظیم و از نقاط قوت نظام هستند. ایشان حتی بیان کرده‌اند که تشکل‌های دانشجویی نسبت به اوایل انقلاب رشد کرده‌اند و از تفکرات عمیق‌تری برخوردار هستند. این سخنان باید حجتی برای مسؤولان دانشگاه‌ها باشد که حضور تشکل‌های دانشجویی در فضای دانشگاه‌شان را به عنوان فرصتی بی‌بدیل مغتنم بشمارند.

از سویی دیگر، باید توجه داشت همان‌طور که دانشجویان در هنگام ورود به دانشگاه‌ها سلیقه‌های علمی و آموزشی متفاوتی با یکدیگر دارند، در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری نیز سلیقه‌های مختلفی دارند که این اختلاف سلیقه نیز باید به درستی از سوی مسؤولان دانشگاه‌ها پذیرفته شود. چراکه اگر ما متفاوت بودن سلیقه دانشجویان از یکدیگر را به رسمیت بشناسیم، خواهیم دید که هیچ منافاتی بین درس خواندن و تقویت سلیقه‌های فکری و فرهنگی و هنری آنان وجود ندارد و دانشجویان همزمان با تحصیل می‌توانند به فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی نیز بپردازند.

نکته دیگر آنجاست که در جهان امروز مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود، یعنی امروزه مسائل مختلف در هم تنیده شده‌است و از این لحاظ، وقتی یک جوان می‌خواهد بعد از پایان تحصیلات دانشگاه وارد فضای پیچیده جامعه شود، باید به مهارت‌های بیشتری نیز در کنار تخصص‌های علمی و آموزشی مجهز شده باشد تا بتواند با بصیرت، تدبیر و عقلانیت لازم با مسائل مهم جامعه، کشور و جهان مواجه شود. این نکته اهمیت وجود تشکل‌های دانشجویی در فضای دانشگاه را دوچندان می‌کند، چراکه تشکل‌ها بستر مناسبی برای فراگیری همه این مهارت‌ها هستند.

با توجه به همه این مسائل، رؤسای دانشگاه‌ها موظفند که امکانات لازم را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی در اختیار تشکل‌های دانشجویی قرار دهند. البته در سال‌های اخیر فشارهای ناگزیری در مساله دریافت بودجه به‌خصوص بر دانشگاه‌های دولتی وارد شده که تاثیر زیادی روی کاهش حمایت از فعالیت‌های دانشجویی گذاشته است. با این حال، مسؤولان دانشگاه‌ها باید تا حد امکان در تهیه امکانات و منابع مالی لازم با تشکل‌ها همکاری داشته باشند و آنها را به سمتی هدایت کنند که بتوانند اثرگذاری لازم را بر فضای جامعه داشته باشند.

البته با همه این صحبت‌ها معتقدیم که اولویت اول یک دانشجو در فضای دانشگاه باید کسب مهارت علمی و تخصصی لازم باشد تا هم بتواند قدرت لازم برای حل مشکلات جامعه را پیدا کند و هم انتظاری را که والدینش از او دارند، برآورده سازد. اما در هر صورت جوانی که بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی وارد فضای جامعه می‌شود، باید شئونات اجتماعی‌شدن را نیز در دوران تحصیل خود بیاموزد، زیرا دانشگاه هم محل آموزش است و هم محل تمرین برای کسب مهارت‌های ارتباط جمعی که پیش‌نیاز ورود به جامعه پیچیده امروز است و تشکل‌های دانشجویی نیز بهترین بستر در فضای دانشگاه برای کسب این مهارت‌ها هستند.

دلنوشته

سرش را در دامان حضرت زینب(س) گذاشت و برگشت

مرتضی درخشان
روزنامه‌نگار

یک/ می‌گویند آن‌که چشمش به دنیا باشد دیر می‌رود، سنگین می‌رود، طوری می‌رود که انگار می‌خواهند مادری را از فرزندش جدا کنند، ما که ماییم الغوث الغوث سبک‌مان کرده بود، تو چرا اما فردای شب سوم قدر این‌قدر سنگین می‌رفتی؟

دو/ «سبک بود» مهدی می‌گوید و با یک صورت اشک به چشمانم نگاه می‌کند. می‌گویم: نه! کجا سبک بود؟ این همه آدم زیر تابوت بودند، وزن تابوت روی شانه همه تقسیم شده بود و لابد تو فکر کردی سبک بوده!

براق می‌شود: «یعنی فکر می‌کنی من بعد از این‌همه سال سبک و سنگین کردن تابوت شهدا، فرق تابوت سبک و سنگین را نمی‌فهمم؟»

سه/ از ساعت ده صبح توی بهشت زهرا(س) قدم می‌زنم، خودم نمی‌دانم اینجا چه می‌کنم، من «اصغرآقای حاج‌قاسم» را نمی‌شناختم، حالا توی گرمای ظهر ماه مبارک رمضان آمده‌ام تا کسی را که نمی‌شناختم تا ایستگاه آخر بدرقه کنم.

از یکی می‌پرسم که می‌شناسد: «سرسنگین شده بود، شکر خدا مشکلش حل شد و رفت، خوش به حالش! آدم که سرش سنگین می‌شود کافی است سرش را یک جایی توی یکی از جبهه‌ها بگذارد و برگردد، آن وقت بدنش سبک می‌شود که پرواز کند، حیف، سر ما هیچ وقت به تن‌مان سنگینی نکرد.»

چهار/ سرش را به دامن زینب سلام‌ا... علیها گذاشت و آمد، مردها این طور می‌روند! می‌روند از ائمه خداحافظی می‌کنند، می‌روند مشهد و طواف می‌کنند، می‌روند حضرت عبدالعظیم(ع) زیارت می‌کنند که مثل زائر کربلا باشند، بوی حاج‌قاسم هم که می‌دهند، تو بگو، آدمی که این‌طور می‌رود چشمش به دنیاست یا دنیا چشم به او دارد؟ شک نکن که چشم دنیا به او نگران بود، نکند برود! حالا دنیا دور و برش را نگاه می‌کند و از خود می‌پرسد که بوی حاج قاسم را از کجا بگیرد؟ نماز خواندند، پدرش هنوز ایستاده بود. داشت قد پسرش - که احتمالا اولین بار مقابلش دراز کشیده بود - را حساب می‌کرد و با خود می‌گفت پسرم یک سر و گردن از این جنازه بزرگتر بود، بعد احتمالا با خود فکر می‌کرد که اگر کفن را باز کردند رگ‌های گلو را ببوسد بهتر است یا سینه مسافر شام را!

چند دقیقه بعد یکی بلند می‌خواند و دیگران زمزمه می‌کردند که «اسمع افهم!» و یک نفر یقه کفن را گرفته بود و تکان می‌داد. حال آن‌که گوشش جای دیگری پر شده بود از الموت حق و المیزان حق... و تنها این ما بودیم که با پیکر شهید بی سر تکان می‌خوردیم.

پنج/ از تو نوشتن کار ما نیست، فقط آنقدر فهمیدیم که اینقدر قد کشیدی که از سقف دنیا بلندتر شدی و دنیا از خود بلندترها را انگار بر نمی‌تابد. سلام ما را به حاج قاسم برسان، به شهدا و امام شهدا برسان، سلام ما را به حسین(ع) برسان، ما تا آخرین ایستگاه دنیا آمدیم، تو در اولین ایستگاه آخرت ما را فراموش نکن.